

دامستیک

انجمن علمی - دانشجویی گروه علوم دامی دانشگاه تهران؛ زمستان ۱۳۹۹

https://domesticsj.ut.ac.ir/article_80838.html

مصاحبه

"بهترین مردم، معلم می‌شوند"

مصاحبه با دکتر محمدجواد ضمیری؛ استاد بخش فیزیولوژی گروه علوم دامی دانشگاه شیراز

اشکان غلامی^{۱*} و علی اصغر خلیلی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی گروه علوم دامی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی فیزیولوژی دام و طیور، گروه علوم دامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، مازندران، ایران

دکتر محمدجواد ضمیری در سال ۱۳۲۷ در شهرستان نیریز استان فارس، زاده شد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شهر محل تولد خود، در سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه شیراز شد و در رشته‌ی مهندسی کشاورزی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۹ در مقطع کارشناسی دانش‌آموخته شد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به استرالیا رفت و در سال ۱۳۵۳ به اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه کوئینزلند و در سال ۱۳۵۸ به اخذ درجه دکتری از همان دانشگاه در رشته فیزیولوژی تولیدمثل نائل آمد. پس از آن نیز دوره دکتری را در دانشگاه یاد شده در ارتباط با هورمون شناسی ابتدای آبستنی با موفقیت گذراند. محمدجواد ضمیری پس از اتمام تحصیلات و بعد از احراز دکتری در رشته فیزیولوژی در دانشگاه شیراز به تدریس مشغول شد و در حال حاضر، عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز با مرتبه علمی استادی است. پروفیسور ضمیری موفق به انتشار ۲۰۰ مقاله در مجلات علمی و ۱۶۰ مقاله در همایش‌ها شده‌اند. وی موفق به چاپ ۱۶ کتاب در رشته خود شد. کتاب "تولیدمثل در گاو" ترجمه، دکتر محمدجواد ضمیری، در دوره دوازدهم (در سال ۱۳۷۲) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگزیده شد. از اختراعات ایشان می‌توان به راکتور پیش‌فراوری کننده محصولات کراتینی دام و طیور به‌منظور تولید کنسانتره پروتئینی و سوخت زیستی متان اشاره کرد. همه دانشجویان با کتاب‌های این استاد از همان ترم‌های ابتدایی مقطع کارشناسی آشنا می‌شوند و آشنایی بیشتر با ایشان می‌تواند پاسخگوی بسیاری از سوالات کنجکاوانه هر دانشجوی رشته علوم دامی باشد. در ادامه با این استاد فرهیخته به صحبت می‌نشینیم:

*نویسنده مسئول: gholami.ashkan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

رفرنس‌دهی: غلامی، ا.، خلیلی، ع. ا. "بهترین مردم، معلم می‌شوند"، مصاحبه با دکتر محمدجواد ضمیری؛ استاد بخش فیزیولوژی گروه علوم دامی دانشگاه شیراز. علمی-ترویجی (حرفه‌ای) دامستیک، ۱۳۹۹؛ ۲۰(۳): ۱۵-۱۰.



AnimSSAUT

آیا پیشینه کار خانواده همچون شغل پدر در انتخاب شما (رشته علوم دامی) تأثیر گذار بوده است؟

پدرم کشاورز بود و شاید آشنایی با کشاورزی تا اندازه‌ای در انتخاب رشته‌ام تأثیر گذاشته بود.

آیا شما با علاقه و شناخت وارد رشته علوم دامی شده‌اید؟ چرا فیزیولوژی؟

اولین رشته انتخابی‌ام کشاورزی بود. در دو سال نخست، مطالب عمومی و در سال سوم مطالب تخصصی کشاورزی و سال چهارم هم درس‌های گرایش‌های مختلف تدریس می‌شد که من دامپروری را انتخاب کردم و در این مسیر قرار گرفتم. افراد دیگر خیلی در انتخاب رشته من دخالت نداشتند. به پزشکی هم علاقه نداشتم؛ به کشاورزی علاقه داشتم. دلیل انتخاب رشته فیزیولوژی و بعد ادامه تحصیل در این رشته هم مورد جالبی است. من شاگرد اول رشته و دانشکده شده بودم. در سال چهارم درسی به نام بهداشت و بیماری‌های دام و طیور داشتیم که آقای دکتر افشار، رئیس دانشکده دامپزشکی به ما درس می‌دادند. من با ایشان در مورد ادامه تحصیل صحبت کردم که ایشان گفتند بروم استرالیا ادامه تحصیل بدهم. ایشان با رئیس دانشکده دامپزشکی دانشگاه کوئینزلند استرالیا Dr. Bill Pryor آشنا بودند و نامه‌نگاری برای پذیرش من را انجام دادند. ایشان توصیه کردند که روی حیوانات آزمایشگاهی کار کنم؛ چون می‌خواستند یک مرکز حیوانات آزمایشگاهی در دانشکده دامپزشکی تأسیس کنند که هیچ‌وقت بعد از آن عملی نشد، چون انقلاب شد و دکتر افشار نیز از ایران رفت. قرار بود که من سرپرستی این مرکز را عهده‌دار باشم. برای همین روی موش شروع به کار کردم و با مرکز حیوانات آزمایشگاهی کوئینزلند در ارتباط بودم و بیشتر روی تولیدمثل آن‌ها کار کردم؛ چون بیشتر بحث‌های تولیدمثل مطرح بود، من برخی جنبه‌های تغذیه و فیزیولوژی را کار کردم. بعداً دکترایم هم در فیزیولوژی گرفتم.

آیا با توجه به شرایط فعلی، تحصیل در گرایش فیزیولوژی را به دانشجویان پیشنهاد می‌دهید؟

اگر رابطه دانش فیزیولوژی را با سازه‌های تأثیرگذار بر دامپروری کشور به‌طور اخص و بر کشاورزی به‌طور اعم ندانیم و در عمل به کار نبریم، وجود چنین گرایشی و یا هر گرایش دیگر که فقط به مجموعه‌ای از محفوظات بینجامد، چه ارزشی خواهد داشت. متأسفانه در ایران شکاف بین شاخه‌های گوناگون در دامپروری، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. دانشجو به‌ویژه در دوره‌های



تصویر ۱- دکتر محمدجواد ضمیری- عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

در دوران تحصیل خود در مدرسه چه ویژگی‌هایی داشتید؟ بعد از ورود به دانشگاه چه تغییری کردید؟

به طور کلی همیشه به خواندن کتاب چه درسی و چه غیردرسی مانند روزنامه و مجله علاقه‌مند بوده‌ام و از سرگرمی‌های اصلی من بوده است. به زبان انگلیسی خیلی علاقه داشتم و با توجه به این که زبان انگلیسی برادر بزرگ‌ترم (که ۷ سال از من مسن‌تر است) عالی بود، من از همان دوران دبستان به کمک او انگلیسی را آموختم و سپس خودم بیشتر مطالعه کردم. در سال دهم و یازدهم دبیرستان، به پیشنهاد دبیر فیزیک، چند بخش از یک کتاب فیزیک را از انگلیسی به فارسی برگرداندم. در آن سال‌ها، کمتر دانش‌آموزی به زبان انگلیسی اهمیت می‌داد و موسسه‌های زبان نیز بسیار اندک و آن هم در شهرهای بزرگ وجود داشتند؛ بنابراین، تنها راه یادگیری یک زبان بیگانه، خودآموزی بود. برای این منظور، هرگاه توریستی به شهر ما می‌آمد فوراً با او تماس می‌گرفتم تا چند جمله‌ای با او صحبت کنم. به این ترتیب، رفته رفته انگلیسی من تقویت شد. به هر روی، تلاش‌های دبیران انگلیسی را نیز نباید نادیده بگیرم که در آن زمان، همانند دیگر دبیران، با علاقه و ایثار وصف ناشدنی، آموزش می‌دادند. از دیگر سرگرمی‌های من در آن دوره، شعرخوانی در مراسم و جشن‌ها و ایفای نقش در نمایش‌ها و تئاترهای دانش‌آموزی بود. به ورزش به‌ویژه تنیس روی میز و بسکتبال نیز علاقه داشتم.

در چه مقطعی از زندگی‌تان ازدواج کردید؟ آیا فرزندان شما هم در همین رشته مشغول هستند؟

پس از بازگشت از استرالیا در سال ۱۳۶۰ در شیراز با همسرم زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. دو پسر دارم. پسر بزرگم متخصص قلب است و در کانادا کار می‌کند. پسر کوچکم کارشناس ارشد سازه از دانشگاه شیراز است.

می‌توانند انجام دهند که موجب بروز برخوردهایی شده است که گاهی تأسفبار بوده است. باید دامنه این نوع فعالیت‌های مشترک تعریف و قانونی شود. این که کدام یک بتواند اعتماد دامدار را جلب کند، بستگی به فرد دارد. با مشخص شدن صلاحیت علمی و عملی فرد، نباید منعی برای فعالیت فرد وجود داشته باشد. البته به نظر من، لازم است که با توجه به وضعیت شغلی، شمار روزافزون بیکاران رشته و ماهیت دامپروزی ایران در رابطه با تأثیرپذیری آن از وضعیت کشاورزی کشور، نوعی بازنگری اساسی در مواد و سرفصل‌های درس‌های رشته علوم دامی، شمار رشته‌ها در دانشگاه‌های کشور و تعداد گرایش‌ها (با نگرشی سیستمیک و بین‌رشته‌ای) به عمل آید.

از نظر شما بهترین و مهم‌ترین دستاورد شما برای جامعه علمی چیست؟

تربیت دانش‌آموختگانی که با دیدی جامع از وضعیت کشاورزی و دامپروزی و نگاهی علمی- کاربردی در خدمت دامپروزی ایران باشند. البته داشتن دانشجویانی پرسشگر و علاقه‌مند نیز از لازمه‌های موفقیت هر استاد است که خوشبختانه من از آن بهره‌مند بوده‌ام.

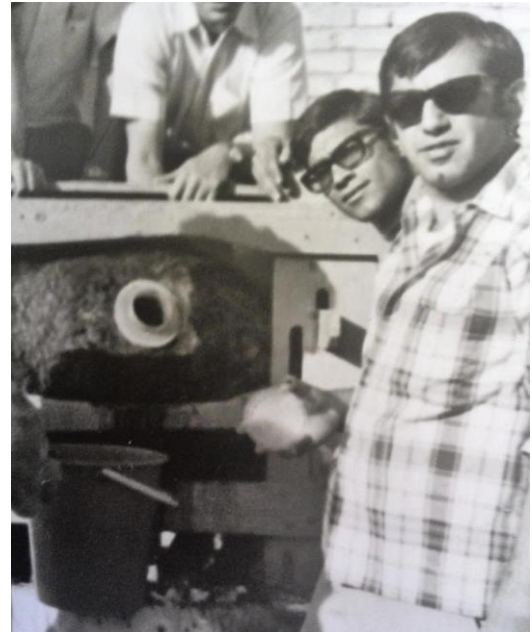


تصویر ۳- دکتر ضمیری و دکتر یوسف جعفری آهنگری استاد فیزیولوژی دام دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

بزرگ‌ترین شکست‌ها و موفقیت‌های شما در زندگی‌تان چه بوده است و دلایل آن‌ها را چه می‌دانید؟

خوشبختانه چیزی که بتوانم از آن به عنوان شکست بزرگ نام ببرم، نداشته‌ام. از این که توانسته‌ام پایه‌گذار گسترش فیزیولوژی در دانشگاه شیراز و همکاری در توسعه آن در برخی دانشگاه‌های دیگر شوم، احساس خوبی دارم. بسیاری از دانشجویان من هم‌اکنون در دانشگاه‌های دیگر منشأ خدماتی هستند که برایم غرورآفرین هستند. معلم و استاد موفق و خوب، فردی است که احساس مسئولیت شدید هم به خودش بکند

کارشناسی‌ارشد و دکترا (با توجه به تأکید زیاد بر گرایشی شدن) با مطالبی آشنا می‌شود که ارتباط منطقی آن‌ها را با سیستم بیولوژی نمی‌داند. در حالی که در برخی زمینه‌ها جزئیات فراوانی را آموخته است. با این وجود، خیلی از دانش‌آموختگان (حتی شاگرد ممتازها) میانی همان رشته را به خوبی فراموش کرده‌اند.



تصویر ۲- اولین گوسفند فیستوله شده در ایران، دکتر محمد جواد ضمیری و دکتر قربان (سال ۱۳۴۸)

آینده و زمینه‌های شغلی رشته فیزیولوژی را چگونه می‌بینید؟

اصولاً با این وضعیت آموزش عالی برای هیچ کدام از رشته‌ها، آینده روشنی قابل تصور نیست. ما داریم روی کمیت کار می‌کنیم. در آمریکا حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد؛ یعنی چیزی حدود چهار برابر جمعیت کشور ما ولی تعداد فارغ‌التحصیلان مهندسی ما ۴ برابر آن‌ها است. در حالی که پیشرفت‌های مهندسی آن‌ها با ما قابل مقایسه نیست. در رشته علوم دامی هم، چنین است. دانش فیزیولوژی، همانند دیگر دانش‌ها، می‌تواند اثرگذاری و زمینه اشتغال خود را داشته باشد به شرط این که در زنجیره یک برنامه "آموزش- پژوهش- توسعه" مناسب قرار گیرد.

از نظر شما آیا متخصصان فیزیولوژی در جایگاه واقعی خودشان در صنعت دامپروزی قرار دارند؟

یکی از چالش‌های مهم برای دانش‌آموختگان فیزیولوژی در علوم دامی تداخل فعالیت با بخشی از فعالیت‌هایی است که همکاران دامپزشک ما (به‌ویژه متخصصین مامایی) در دامداری

بدترین و بهترین خاطرات دوران کاری و تحصیلی که بخواهید از آن‌ها یاد کنید، کدام‌اند؟

از دوران تحصیل خاطره بدی ندارم و مسئله‌ای که پیش بیاید و ناراحت شوم، نداشتم. از دیدگاه کاری، درگذشت چند نفر از همکاران در دانشکده از بدترین خاطراتم است. البته باید نمک خوردن و نمکدان شکستن برخی از به‌اصطلاح رفقا را نیز به آن اضافه کنم. گاه سعی می‌کنم درباره آن صحبت نکنم (که این ویژگی در برخی از ما هست). خاطره‌های شیرین خیلی داشتم. دوران تحصیلم دوران خیلی خوبی بود. ما یکی دو نوبت با دانشجویها و استادان برای گردش علمی رفتیم و خیلی جاها را دیدیم. بهترین آن هم که هنوز یادم هست؛ سال چهارم بودیم، ایام فروردین ۱۳۴۹، بچه‌ها خواستند اردوی علمی بروند، مهندس فرید و بقیه، اتوبوس راه انداخته بودند و آمدند در خانه ما و مرا هم بردند و من حتی خیلی هم نتوانستم وسیله جمع کنم و رفتیم. همان سال هم آقای دکتر سفیدبخت، آقای دکتر جمالیان صنایع غذایی و یکی از استادان دیگر بخش خاک‌شناسی همراهان بودند و خیلی جاها رفتیم. نیشکر هفت‌تپه رفتیم، پالایشگاه نفت آبادان که خیلی به ما احترام گذاشتند و ناهار مفصلی دادند و همه جاهایی که به هیچ کسی نشان نمی‌دادند و سری بود را به دانشجویان دانشگاه پهلوی به دستور مدیرعامل شرکت نفت نشان دادند؛ رفتیم بازدید کردیم و خیلی خوش گذشت.

(یعنی مرتب در حال یادگیری باشد، مسئولیت در قبال خود یعنی دنبال یادگیری باشد) و خوب انتقال بدهد و رابطه خوبی هم با دانشجو، با رعایت خطوط قرمز (رعایت خطوط قرمز مهم است)، داشته باشد. برای من همه دانشجویان بدون توجه به طرز فکرشان یکسان‌اند و دانشم را در اندازه‌ای که می‌دانم در اختیارشان قرار می‌دهم.



تصویر ۴- دکتر زریخت انصاری (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری)، دکتر احمد زارع شحنه (پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران) و دکتر ضمیری - کنگره ملی علوم دامی، کرج، تابستان ۱۳۹۵

چه کسی را به عنوان الگو در زندگی خودتان می‌دانید؟

الگوی من در زندگی شخصی بیشتر برادر بزرگم بوده که چند سال پیش درگذشت. ایشان بیشتر نقش پدری برای من داشت و بیشتر تحت تربیت ایشان بودم. شیوه و منش رفتاری را سعی کردم مانند او باشم. در تحصیلات عالی برخی از استادهایم تأثیر بیشتر بر شکل گرفتن شخصیت علمی من داشتند.



تصویر ۵- مراسم دانش آموختگی شیراز. اعضای هیئت علمی گروه علوم دامی دانشگاه شیراز. از چپ به راست: دکتر ضمیری، دکتر نصرالله سفیدبخت (استاد بازنشسته)، دکتر محمدرضا رضوانی، دکتر امیر اخلاقی، دکتر شهریار کارگر و دکتر محمد دادپسند

شما به کشورهای زیادی سفر داشتید؛ چه چیزی بیشتر از همه برایتان جالب و آموزنده بود؟

صداقت در عمل و رفتار، راست‌گویی، رک بودن و پرهیز از ریا و نفاق و دزدی.

آیا زمانی که از استرالیا به ایران بازگشتید، استقبال لازم از تخصص و گرایش شما صورت گرفت؟

خیر. زمانی که به ایران برگشتم، مصادف با تعطیلی دانشگاه‌ها بود (به‌اصطلاح، زمان انقلاب فرهنگی) و یک سالی هم بیکار بودم و به وزارت علوم هم که من بورسیه آن‌ها بودم و با بورسیه آن‌ها رفته بودم، برای کار درخواست دادم، گفتند فعلاً به تخصص شما نیازی نداریم. ان‌شاءالله در آینده اگر نیازی بود با شما تماس خواهیم گرفت که البته هیچ‌گاه تماس نگرفتند؛ اما در سال ۱۳۶۰، با بازگشایی دانشگاه‌ها و نیاز دانشگاه شیراز، در بخش علوم دامی دانشگاه شیراز شروع به کار کردم.

اولین کسی که بعد از شنیدن نام "استاد" به ذهنتان می‌آید، چه کسی است و دلیل آن چیست؟

دکتر Alan W. Blackshaw استاد راهنمای ارشد و دکترای من که از ایشان بسیار آموختم، انسانی وارسته و دوست‌داشتنی که هرچه می‌دانست در طبق اخلاص می‌گذاشت و از هیچ نوع یاری و راهنمایی دریغ نمی‌کرد. روانش شاد.

از دانشجویانتان برایمان بگویید. چه کسی را سرآمد همه‌ی دانشجویان خود تا به امروز می‌دانید؟

خوشبختانه در مجموع از همه دانشجویانم در همه سطوح رضایت دارم. حداقل برای درس‌های من، همه کوشش خود را به کار می‌بردند. برخی، به دلایلی، بیشتر درخشیدند. شمار سرآمدها اندک نیست؛ بنابراین، برای این که نام برخی از قلم نیفتد، از فردی خاص نام نمی‌برم. ولی تقریباً در هر بخش علوم دامی یکی از آن‌ها را می‌بینید.



تصویر ۶- اساتید بخش فیزیولوژی دام و طیور و اعضای انجمن علمی- دانشجویی گروه علوم دامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری به همراه دکتر ضمیری در سومین همایش ملی دام و طیور شمال کشور - پاییز ۱۳۹۶. از راست به چپ: مهندس یاسر رضاییان، دکتر زربخت انصاری، دکتر ضمیری، دکتر حمید دلدار، دکتر عیسی دیرنده، مهندس هادی رامندی، مهندس کاظم سیفی.

شوم که با نامه‌نگاری و در فاصله ۵ تا ۶ ماه انجام می‌شد. هزینه‌ها را هم که دولت می‌پرداخت. نسبت به دانشجویهای خارجی دیگر کمک هزینه دانشجویان ایرانی خیلی خوب بود و دانشجو با مشکل مالی روبه‌رو نمی‌شد. به نظرم درس خواندن در یک دانشگاه معتبر خارج از کشور برای یک دوره و یا پژوهش برای

نظر شما درباره ادامه تحصیل در خارج از کشور چیست؟ چه پیشنهادی می‌دهید؟

برای من مزایای تحصیل در استرالیا خیلی زیاد و ددرسه‌های آن، خیلی کم بود. در آن زمان، همه کارها آسان پیش می‌رفت. چون بورسیه بودم، فقط باید پذیرش می‌گرفتم تا عازم

سخن پایانی نویسنده

طی کردن پله‌های ترقی و کسب موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی، نیاز به تلاش مداوم و هوشمندانه دارد. تلاش پیوسته اگرچه همواره باعث بهبود شرایط خواهد شد، اما در صورتی که این تلاش هوشمندانه، با برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت انجام نپذیرد، اثرگذاری خود را از دست خواهد داد. تجربه هم کلامی با جناب آقای دکتر ضمیری، یادآور این نکته بود که اتفاق‌های زمانه و تصمیم‌های کوچک و بزرگ زندگی اگرچه می‌توانند مسیر زندگی فردی را جابه‌جا کنند، اما با تلاش هوشمندانه و الگوبرداری از تجربه‌های موفق می‌توان در مسیرهای جدید پیش‌رو نیز به موفقیت دست یافت. صداقت در عمل و رفتار و پرهیز از ریا و دزدی، احساس مسئولیت و وجدان کاری و رفتاری اصلی‌ترین شاخص‌های یک الگوی مناسب در زندگی است. اگر در این مسیر به جایگاهی برسیم که عملکرد و دستاورد ما، انسان‌های موفق‌تری باشند که در حال خدمت به بشریت و تولید علم برای آسایش جامعه هستند، واقع ما به یک موفقیت زاینده دست یافته‌ایم که در کارخانه انسان‌سازی، زحمات ما را سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می‌کنند و ضمیر تاریک عقل را به چراغ علم روشن می‌نمایند.

با آرزوی ایرانی سربلند!

Publisher Note

Animal Science Students Scientific Association, Campus of Agriculture and Natural Resources at the University of Tehran

Submit Your Manuscript:

https://domesticstj.ut.ac.ir/contacts?_action=loginForm

یکی دو سال پس از دوره دکتر، بسیار ارزشمند است. وزارت باید حتماً تشویق کند و شرایط را آسان کند.



تصویر ۷- دکتر ضمیری و همراهان در جریان بازدید از گاوداری، نیشابور

پیشنهاد شما برای بهبود وضعیت کشاورزی و دامپروری به‌ویژه در این دوران کرونایی چیست؟

بهبود وضعیت کشاورزی و دامپروری، به عنوان بخش جداناپذیر از کشاورزی، بدون بهبود کلی اوضاع اقتصادی کشور، شدنی نیست. لازمه پیشرفت، برنامه‌ریزی در سطح کلان توسط فرهیختگان و اندیشمندان و خبرگان، مدیریت درست و کارآمد و ایجاد زمینه‌ها و زیرساخت‌های مورد نیاز با توجه به شرایط ویژه کشور و با تکیه بر نیروهای مدیریتی و ستادی نیک‌اندیش است. می‌توانم بگویم که در بیشتر این موارد، کمبودهای اساسی در کشور داریم؛ زیرا اگر چنین نبود قاعدتاً وضعیت نمی‌بایست این چنین باشد که می‌بینیم. پاندمی بیماری کووید-۱۹ بر اقتصاد همه کشورها تأثیر منفی گذاشته است، اما کشورهایی که دارای برنامه‌های مدون توسعه بوده‌اند کمتر آسیب دیده‌اند. البته حمایت‌های ویژه دولت‌ها در این دوران تا اندازه‌ای می‌تواند تشدید بحران را بکاهد. این که دولت‌مردان در این راستا چه اقدامی کرده‌اند را باید از تولیدکنندگان در بخش کشاورزی و دامپروری جویا شد. تولیدکننده‌های کشاورزی و دامپروری، همانند دیگر تولیدکننده‌ها، از رانت و واسطه‌گری رنج می‌برند که متأسفانه برای این چالش نیز چاره‌جویی نشده است. راه‌حل دشوار نیست، اما نیاز به همت والا دارد، اگر به این خاک و مردمش بیندیشیم. به امید آن روز.

به عنوان سخن آخر ...

سخن دیگری ندارم. با آرزوی پیروزی و شادکامی شما و بهبودی هرچه بیشتر وضعیت دامپروری ایران.